



doi: 10.30497/ies.2024.244579.2159



Received: 2023/05/26

Accepted: 2024/01/30

Jurisprudential analysis of Shariah risks in the Murabahah contract and how to manage it with a risk sharing approach

Mostafa Kazemi Najafabadi[□]

Abbas Yaghoobzadeh Mojarad^{□□}

Abstract

From the jurisprudential Akhbar about Murabaha, it is possible to maintain two types of Islamic risks, The risk of regret and the risk of property destruction, which are the conditions for the validity of the Murabaha contract, but especially with the spread of credit cards, it has been completely neglected. According to religious teachings in Islamic banking, accepting the risk of profit and loss is relevant and this risk should not be imposed solely on the financed party. On the other hand, it is not possible to transfer the risk of facilities and deposits in the banking system through insurance. In this research, an attempt has been made to firstly introduce and explain these two types of sharia risk with the method of Ijtihad, and in the second step, with the approach of risk sharing and appropriate institutionalization, suggestions for its management and reduction are presented. Management of regret risk through queue formation or market analysis is possible to some extent, especially in electronic banking. Regarding the risk of destruction, through institutionalization appropriate to the process of banking contracts, it is possible to provide the basis for its development in other high-risk contracts.

Keywords: Murabahah, Regret risk, Property destruction risk, Profit rule, Risk sharing.

JEL Classification: Z12, G24

[□] Doctor of specialization, assistant professor, academic board of the field research institute and university, Tehran, I.R.Iran.

mostafakazemi@rihu.ac.ir

0000-0003-2271-2714

^{□□} P.hD student of Islamic economics of the the Research Institute of Howzah and University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

0009-0005-0228-1066

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۵۲۴-۴۹۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

تحلیل فقهی ریسک‌های شرعی در عقد مرابحه بانکی و شیوه مدیریت آن با رویکرد تسهیم ریسک

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی*

عباس یعقوب‌زاده مجرد**

چکیده

از روایات فقهی در باب مرابحه، حفظ دو نوع ریسک شرعی انصراف و هلاکت مال قابل برداشت است که شرط صحت عقد مرابحه می‌باشد؛ لکن خصوصاً با رواج کارت اعتباری مرابحه به کلی مورد غفلت قرار گرفته است. بر اساس آموزه‌های دینی در بانکداری اسلامی، پذیرش ریسک سود و زیان و تسهیم آن بین طرفین، موضوعیت داشته و نباید این ریسک صرفاً بر تأمین مالی‌شونده تحمیل گردد. از سوی دیگر انتقال ریسک تسهیلات و سپرده‌ها در نظام بانکی از طریق بیمه به‌طور مفروض، ممکن نمی‌باشد. در این پژوهش تلاش شده است ابتدا این دو نوع ریسک شرعی با روش اجتهادی معرفی و تبیین گردد و در گام دوم با رویکرد تسهیم ریسک و نهادسازی متناسب آن پیشنهاداتی برای مدیریت و کاهش آن مطرح گردد. مدیریت ریسک انصراف از طریق تشکیل صف انتظار، خصوصاً در بانکداری الکترونیک تا حدودی امکان‌پذیر است. در مورد ریسک هلاکت نیز از طریق نهادسازی متناسب با فرایند عقود بانکی می‌توان زمینه را برای توسعه آن در سایر عقود پرریسک نیز فراهم نمود.

واژگان کلیدی: مرابحه، ریسک انصراف، ریسک هلاکت مال، قاعده ربح، تسهیم ریسک.

طبقه‌بندی JEL: G24, Z12

* دکترای تخصصی، استادیار، هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mostafakazemi@rihu.ac.ir

0000-0003-2271-2714

** دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

0009-0005-0228-1066

مقدمه

یکی از عقود بسیار پُرکاربرد در بانکداری اسلامی عقد مرابحه است. عقد مرابحه هرچند طبق نظر مشهور فقهای شیعی مکروه است^۱ (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق)؛ اما به دلیل سادگی، در بسیاری از بانک‌های اسلامی استفاده می‌شود؛ به نحوی که مثلاً در بانکداری اسلامی کویت، حدود ۸۰ درصد تسهیلات صرفاً بر اساس عقد مرابحه به متقاضیان پرداخت می‌شود.^۲

در نظام بانکی ایران نیز هرچند در گذشته استفاده از این عقد محدود بود؛ اما در سال‌های اخیر این شیوه توسعه یافته است. بانک مرکزی در مهر ماه سال ۱۳۹۵، طرح استفاده گسترده از کارت اعتباری مرابحه در شبکه بانکی را آغاز کرد (میثمی، ۱۳۹۵). در آمار بانک مرکزی در آبان ۱۴۰۱، مرابحه بیشترین سهم را در تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری داشته است (۳۷,۵ درصد). در رتبه بعد هم فروش اقساطی (۱۴,۱ درصد) قرار دارد^۳ که ماهیتاً به مرابحه نزدیک است^۴ و مجموعاً حدود نیمی از تسهیلات را پوشش می‌دهد.

ریسک در عقود مبادله‌ای نوعاً کمتر از ریسک در عقود مشارکتی است. به‌طور خاص، عقد مرابحه کم‌ریسک‌ترین قرارداد در دسته عقود مبادله‌ای می‌باشد (Khan & Ahmed, 2001, pp. 59-62)؛ اما در عین حال قانون و مقررات ناظر به عقود بانکی و نحوه اجرای آن در نظام بانکداری به سمتی رفته است که همین مقدار ریسک کم نیز پذیرفته نشود تا جایی که بانک را بیشتر به یک بنگاه مبادلاتی که واسطه تبدیل پول به پول است، مبدل ساخته است.

خصوصاً مراجعه به منابع فقهی و بررسی ادله شرعی عقد مرابحه نشان می‌دهد دو

۱. کراهت مرابحه از باب اطلاع مشتری از قیمت اولیه است نه به لحاظ بیع و مبادله بودن آن. از این رو در عقد مساومه که قیمت خرید فروشنده به خریدار نهایی اعلام نمی‌شود، کراهتی نیز وجود ندارد.

۲. برگرفته از تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی به آدرس:

https://www.mbri.ac.ir/IslamicBanking/IslamicBanking_Page?News_ID=171097#_ednref1

۳. برگرفته از تارنمای بانک مرکزی به آدرس: <https://www.cbi.ir/simplelist/26483.aspx>

۴. مرابحه علاوه بر پوشش گسترده کالاها برای خرید خدمات مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و حتی بازرگانی نیز قابل استفاده است، درحالی که در فروش اقساطی چنین امکانی وجود ندارد.

نوع ریسک انصراف و هلاکت مال در عقد مرابحه از متون دینی قابل‌برداشت است که شریعت اجازه صفر کردن آن را نمی‌دهد بلکه می‌بایست با رویکرد تسهیم ریسک، آن را مدیریت نمود؛ اما متأسفانه با شیوع کارتهای اعتباری مرابحه اساساً از این دو نوع ریسک شرعی غفلت شده است. نهادسازی متناسب با این دو نوع ریسک شرعی از اهداف این پژوهش محسوب می‌شود که تاکنون مورد مذاقه قرار نگرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند پیرامون عقد مرابحه و نحوه اجرای آن در عملیات بانکی خصوصاً کارت مرابحه به‌طور مفصل بحث شده است؛ اما نسبت به دو ریسک شرعی انصراف و هلاکت مال و نحوه مدیریت آن، کمتر اثری نگاشته شده است بلکه به‌طور ضمنی در تحلیل عقد مرابحه به آن اشاره شده است.

موسویان (۱۳۹۰، الف)، در مقاله «امکان‌سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا»، دو ریسک شرعی انصراف و هلاکت را معرفی می‌نماید. ایشان با ارائه راهکار گرفتن وکالت از مشتری برای تعهد به خرید مرابحه از بانک سعی می‌کند ریسک انصراف را حذف نماید. همچنین در قراردادهای با قیمت‌های زیاد، انعقاد مرابحه سه‌جانبه بانک - مشتری - فروشنده در محل بانک را پیشنهاد می‌دهد؛ البته معراج (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی کاربرد عقد مرابحه در نظام بانکی با تأکید بر فقه و حقوق موضوعه» دو راهکار ارائه شده توسط موسویان را به چالش کشیده است.

میرطاهر و صفایی (۱۳۹۳) نیز در مقاله «طراحی مدل عملیاتی خرید اعتباری سهام بر اساس قرارداد مرابحه و مشارکت مدنی»، معتقدند گرفتن وکالت از مشتری می‌تواند ریسک انصراف را پوشش دهد.

علیزاده (۱۳۹۷)، در مقاله «مرابحه بانکی و مشروعیت آن»، گرفتن تعهد از مشتری جهت انعقاد مرابحه با بانک را خلاف شرع نمی‌داند بلکه معتقد است در صورت تعهد، الزامی برای طرفین ایجاد می‌شود که البته یک تمهید مطمئن برای انعقاد قرارداد اصلی مرابحه است.

هرچند در پژوهش‌های گذشته، گرفتن وکالت و تعهد، راهکاری برای مدیریت

ریسک انصراف تلقی شده؛ اما در خصوص مدیریت ریسک هلاکت مال اساساً طرحی ارائه نشده است. در این پژوهش در تلاش هستیم تا حفظ دو نوع ریسک انصراف و هلاکت مال را از ادله شرعی تبیین نماییم و در گام بعد پیشنهاداتی برای کاهش و نه حذف این دو نوع ریسک مطرح کنیم. لحاظ ریسک‌های شرعی مرابحه در طراحی نقشه حرکت به بانکداری اسلامی، در فرضی که حذف کامل سود تضمین شده بانکی مقدور نباشد، یک حلقه مفقوده برای طراحی عملیات بانکی است و تاکنون به آن توجه نشده است. قانون‌مندی و نهادسازی متناسب این دو نوع ریسک در یک مدل مطلوب، می‌تواند یک گام اولیه موفق برای الگوی بانکداری مبتنی بر تسهیم ریسک خصوصاً مقدمه نهادسازی و فرهنگ‌سازی متناسب با عقود مشارکتی در گام بعدی باشد.

۲. اصل تسهیم ریسک در بانکداری اسلامی

یکی از چالش‌های دیرینه در مباحث بازارهای مالی اسلامی، مسئله درآمدزایی «ریسک و مخاطره» و هم‌جهت‌بودن ریسک با بازده می‌باشد. بر اساس آموزه‌های دینی می‌توان یک قاعده مهم اصطیادی از ادله و مدارک و منابع اسلامی را تحت عنوان قاعده ربح با مفاد «ممنوعیت کسب سود از سرمایه بدون قبول ریسک سرمایه» معرفی نمود (یوسفی؛ قنبرزاده و کلاهدوزان، ۱۴۰۱). تعلق سود بازده و ارزش افزوده به دارایی‌ای که ریسک آن توسط مالک، پذیرفته نشده ممنوع است. اسلام با منع سود و ارزش افزوده از هرگونه دارایی‌ای که مخاطره آن توسط مالک پذیرفته نشده است، سیطره بر چنین سود و ارزش افزوده‌ای را غیرشرعی و باطل می‌داند (بکتاش، ۱۳۹۱).

شیخ انصاری در بحث ملازمه بین نماء و درک به برخی از ابعاد این قاعده اشاره می‌کند که هرکسی مالک فایده مالی است، خسارت وارده بر آن مال نیز بر عهده او می‌باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۲۰۱). آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر اساس شش دسته مختلف نهی‌های روایی مثل نهی از بیعین در بیع واحد و نهی از ربح ما لم یضمن و غیره، یک قاعده کلی را برداشت می‌کند و در تبیین مفاد آن می‌نویسد: «مادامی که مالی برای فردی ضمانت شده باشد به گونه‌ای که اگر آن مال تلف شد، ثمن آن برایش محفوظ باشد، در این صورت دیگر حق سود بردن از آن مال وجود نخواهد داشت.

همان‌طور که در باب ربا، قرض‌گیرنده از طریق قرض گرفتن، ضامن مال قرض‌دهنده بر ذمه‌اش می‌شود؛ فلذا قرض‌دهنده دیگر نمی‌تواند از قرض‌گیرنده طلب ربح و سود کند» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق).

این قاعده که از آن به‌عنوان «قاعده ربح» تعبیر می‌شود، تطبیقات مهمی در باب‌های مختلف فقه معاملات داشته و نقش مهمی در نظریه اقتصادی دارد.^۵ چراکه با عدم پذیرش این قاعده صاحبان سرمایه مثل بانک‌ها می‌توانند روش‌هایی را اتخاذ کنند تا بدون قبول ریسک و خطرپذیری نسبت به سرمایه، از سود اقتصادی بهره‌مند شوند و تمام خطر را به سمت فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان کالاها و خدمات سوق دهند. درحقیقت در این نظام اقتصادی ربا نیست ولی ملاک تحریم آن هست (یوسفی؛ قنبرزاده و کلاهدوزان، ۱۴۰۱).

بررسی ادله تفصیلی ادله این قاعده از این نوشتار خارج است؛ لکن مفاد قاعده ربح در تحقیق حاضر به‌عنوان اصل موضوعه محسوب می‌شود و بر اساس آن امکان سودبری بانک با صفر کردن ریسک از نظر شرعی ممنوع است.

یکی دیگر از اصول موضوعه در پژوهش حاضر، عدم امکان انتقال ریسک به شخص ثالث در تسهیلات بانکی است. هرچند بیمه یکی از مهم‌ترین روش‌های انتقال ریسک محسوب می‌شود و طرف عمده بسیاری از برنامه‌های مدیریت ریسک می‌باشد؛ لکن مراجعه به ویژگی‌های صنعت بیمه و ادبیات صنعت بیمه‌گری حاکی از آن است که هر ریسکی قابلیت بیمه شدن توسط شرکت بیمه را ندارد و لذا برای هر ریسکی، محصول بیمه‌ای متناسب آن، توسط شرکت‌های بیمه عرضه نمی‌گردد.

ریسک‌هایی قابلیت بیمه‌پذیری دارند که ایستا و خالص باشند؛ اما بیمه‌کردن ریسک‌های پویا و سوداگرانه به دلیل عدم احراز شرایط خاص و همگن بودن ممکن نیست؛ بدین ترتیب ریسک سود و زیان قابلیت بیمه شدن ندارد. توحیدی‌نیا و نصیری ذیل پژوهشی نشان دادند تعدادی از ریسک‌های زیرمجموعه ریسک سود و زیان مثل

۵. و هذه القاعدة - أعني المنع عن الاسترباح برأس المال غير المضمون على مالكة - إذا استطعنا إثباتها بكليتها من الروايات سوف يكون لها تطبيقات مهمة في أبواب عديدة من فقه المعاملات و يكون لها دور خطير في النظرية الاقتصادية (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق).

ریسک نرخ ارز، ریسک قیمت سهام و ریسک قیمت کالا قابلیت بیمه شدن را نداشته و هیچ شرکت بیمه خصوصی نمی‌تواند این ریسک‌ها را بیمه نماید. همچنین اگر شرکت بیمه به هر دلیلی تصمیم به عرضه محصولات بیمه‌ای مرتبط با چنین ریسک‌هایی بگیرد، در صورت تحقق این ریسک‌ها، عدم توانایی در عمل به تعهدات از سوی آن شرکت بیمه بسیار محتمل خواهد بود. بزرگ‌ترین شرکت بیمه جهان AIG^۶ در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ اگرچه هیچ‌گاه ریسک سود و زیان بانک و حتی ریسک نکول تسهیلات‌گیرندگان بانکی را بیمه نکرد بلکه تنها ریسک نکول اوراق بهادار را تعهد کرده بود که در مقایسه با ریسک سود و زیان بانک‌ها به مراتب کمتر است؛ اما رو به ورشکستگی نهاد. مقامات دولت آمریکا، برای جلوگیری از سرایت بیشتر بحران و ورشکستگی کامل اقتصاد، در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸ میزان ۷۹,۹ درصد از سرمایه این شرکت را که به‌خاطر فعالیت در بازار CDS با مشکل مواجه شده بود، به مبلغ ۸۵ میلیارد دلار خریداری کردند (توحیدی‌نیا و نصیری، ۱۴۰۰)؛ بنابراین عملکرد بیمه‌ای به‌عنوان راه انتقال ریسک نمی‌تواند راه‌حل مناسب برای از بین بردن ریسک سود و زیان در عقود مبادله‌ای و مشارکتی باشد.

۳. انواع ریسک‌ها در عقد مباحه نظام بانکی

تعریف‌های متفاوتی از ریسک ارائه شده است که مفهوم اصلی این تعاریف بیانگر وجود نااطمینانی^۷ از رخدادهای آینده است؛ به عبارت دیگر، ریسک نوعی از نااطمینانی به آینده است که قابلیت محاسبه را داشته باشد (اکبریان و دیانتی، ۱۳۸۵) در بانکداری اسلامی بنا بر ماهیت متفاوت آن و اصول شرعی و اخلاقی حاکم بر آن، مدیریت ریسک با تنگناها و گونه‌های مضاعف و متنوع‌تری از ریسک روبه‌روست.

هیئت خدمات مالی اسلامی، انواع ریسک در بانک‌های اسلامی را در چند بخش دسته‌بندی کرده است: ریسک اعتباری، ریسک سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی، ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بازدهی، ریسک عملیاتی (کاظمی‌نژاد، ۱۳۸۸). در

6. International Group American

7. Uncertainty

این میان ریسک اعتباری^۸، ریسک بازار^۹، ریسک نقدینگی^{۱۰} و ریسک عملیاتی^{۱۱} از مهم‌ترین ریسک‌هایی شناخته می‌شوند که در اکثر عقود بانکی و از جمله عقد مرابحه نیز وجود دارد.

در همین راستا پژوهشی با هدف شناسایی جنبه‌های مختلف ریسک و مدیریت آن در بانک‌های اسلامی توسط طریق‌الله خان و حبیب احمد به انجام رسیده است که نتایج این تحقیق در جدول ۱ مشخص است.

جدول (۱): امتیازبندی ریسک‌های اعتباری، بازار، نقدینگی و عملیاتی در عقود مختلف

عقد / نوع ریسک	ریسک اعتباری	ریسک بازار	ریسک نقدینگی	ریسک عملیاتی
مرابحه	۲,۵۶	۲,۸۷	۲,۶۷	۲,۹۳
مضاربه	۳,۲۵	۳	۲,۴۶	۳,۰۸
مشارکت	۳,۶۹	۳,۴	۲,۹۲	۳,۱۸
اجاره	۲,۶۴	۲,۹۲	۳,۱	۲,۹
استصناع	۳,۱۳	۳,۵۷	۳	۳,۲۹
سلف	۳,۲	۳,۵	۳,۲	۳,۲۵
مشارکت تقلیلی	۳,۳۳	۳,۴	۳,۳۳	۳,۴

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در ریسک اعتباری و ریسک بازار، عقد مشارکت بیشترین ریسک و مرابحه کمترین ریسک را دارد. در ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی نیز عقد مرابحه در رتبه دوم کم‌ریسک‌ترین‌ها قرار دارد (Khan & Ahmed, 2001, pp. 59-62). در این چهارچوب مرابحه به‌عنوان قراردادی کم‌ریسک از دسته

۸. احتمال عدم برگشت اصل و فرع تسهیلات اعطا شده را ریسک اعتباری می‌گویند.

۹. این ریسک‌ها مربوط به زیان‌های وارده بر دارایی‌های بانک است که بر اثر تغییرات و نوسانات عوامل بازار مانند: نرخ ارز، نرخ بهره و قیمت سهام به‌وجود می‌آید.

۱۰. این ریسک ناشی از مشکل در به‌دست‌آوردن پول نقد (نقدینگی) برای هزینه‌های معقول به‌وسیله وام‌گرفتن (ریسک نقدینگی سرمایه‌گذاری) یا فروش دارایی (ریسک نقدینگی دارایی) است.

۱۱. ریسک عملیاتی، ریسک مستقیم یا غیرمستقیم از دست‌دادن نتایج به‌واسطه فرایندهای ناکافی یا ناصحیح داخل سازمان مثل اشتباه‌های انسانی یا اتفاقات و خطای تکنیکی یا بر اثر اتفاقات خارجی است (علم‌الهدی، ۱۳۹۷).

ریسک‌های مبادله‌ای شناخته می‌شود؛ البته دو نوع ریسک دیگر نیز در عقود مرابحه وجود دارد که در ادامه تبیین خواهد شد.

۳-۱-۱. ریسک شرعی انصراف

در شریعت بیع مرابحه، یکی از انواع قرارداد بیع است و مقصود از آن، معامله‌ای است که فروشنده قیمت تمام شده کالا، اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و سایر هزینه‌های مربوط را به اطلاع مشتری رسانده و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند (موسویان، ۱۳۹۰، ب، ص. ۱۴). قرارداد بیع مرابحه از لحاظ نوع خرید به دو صورت رایج است: الف) مرابحه عادی؛ در این صورت تاجر کالایی را خریداری کرده منتظر مشتری می‌ماند، هر زمان که مشتری مراجعه کرد با احتساب سود مشخصی کالا را به وی می‌فروشد. ب) مرابحه سفارشی؛ در این صورت مشتری سراغ تاجر رفته، سفارش خرید کالا را برای او می‌دهد، تاجر بعد از سفارش مشتری، کالا را خریداری کرده، با احتساب سود مشخصی به وی می‌فروشد. درواقع فروشنده می‌خواهد نقد بفروشد و خریدار پول ندارد. نفر سومی وارد می‌شود که از فروشنده نقد می‌خرد و به خریدار به نسیه می‌فروشد. غالب معاملات بانکی از نوع دوم (مرابحه سفارشی) آن هم به صورت نسیه^{۱۲} است.

قرارداد بیع مرابحه از جهت شیوه انجام معامله نیز دو صورت دارد: الف) مرابحه اصالتی؛ در این صورت فروشنده خود اقدام به خرید کالا کرده سپس با احتساب سود مشخصی آن را به مشتری می‌فروشد. ب) مرابحه وکالتی؛ در این صورت فروشنده، مشتری را وکیل در خرید کالا کرده سپس کالای خریداری شده توسط مشتری را با احتساب سود مشخصی به وی می‌فروشد. در معاملات بانکی هر دو نوع مرابحه کاربرد دارد، در کالاهایی که ارزش بالایی دارند بانک به صورت مستقیم در خرید و فروش کالا دخالت دارد؛ اما در معاملات خرد، مشتری را وکیل در خرید برای بانک می‌کند. مراجعه به آموزه‌های فقهی و روایی گواه آن است که متقاضی تسهیلات مرابحه،

۱۲. به این صورت که فروشنده با احتساب سود مشخصی، کالا را به صورت نسیه به مشتری می‌فروشد و قیمت آن را به صورت نسیه دفعی یا نسیه تدریجی (به اقساط) در آینده تحویل می‌گیرد.

اجازه انصراف از خرید مرابحه‌ای کالا را در هر صورت داراست؛ لذا ممکن است مشتری سفارش خرید کالایی را به بانک بدهد و بانک بر اساس سفارش او اقدام به خرید و تملک کالا کند؛ لکن مشتری در این فاصله از خرید کالا انصراف دهد، در این فرض کالای خریداری شده روی دست بانک می‌ماند و چه‌بسا فروشنده اولیه حاضر به پس گرفتن آن نباشد، در نتیجه بانک مجبور شود با تحمل خسارتی کالا را بفروشد (موسویان و دبیان، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۶).

در روایات متعددی حکم اجازه انصراف به عنوان شرط صحت بیع مرابحه مورد تأکید قرار گرفته است که به یک نمونه از آن اشاره می‌شود:

«منصور بن حازم در یک روایت صحیح از امام صادق (علیه السلام) این‌طور سؤال می‌کند که شخصی از دیگری طلب بیع عینه دارد. به او می‌گوید من نسبت به تو از نیاز خودم مطلع‌ترم. پول را در اختیار من قرار بده تا با آن کالای مورد نیازم را بخرم. پس دراهم را می‌گیرد و کالای مورد نیازش را می‌خرد. سپس آنها را پیش صاحب پول می‌آورد. پس او کالا را به وی می‌فروشد. امام (علیه السلام) فرمود: آیا هریک از این دو اختیار دارد؛ اگر بخواهد خریداری کند و اگر بخواهد ترک کند و بایع هم اگر بخواهد بفروشد و اگر بخواهد ترک کند؟ گفتیم: بله چنین اختیاری دارند، امام (علیه السلام) فرمود: اشکالی ندارد»^{۱۳} (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۵۲).

مطابق تصریح روایات مشخص می‌گردد که بعد از خرید کالا توسط بایع ولو به سفارش مشتری، باید امکان انصراف مشتری از انعقاد مرابحه برای مشتری و بایع وجود داشته باشد و نمی‌توان این امکان را سلب نمود. حتی چنانچه مشتری از طرف بایع وکیل در خرید برای بایع باشد، باز هم مشتری باید پس از خرید کالا، امکان انصراف از انعقاد مرابحه با بایع را داشته باشد. وجود چنین حکمی برای مشتری، ریسکی را بر بانک تحمیل می‌کند که در صورت انصراف مشتری، کالا روی دست بانک می‌ماند. هرچند این ریسک خصوصاً در مواردی که مشتری سفارش‌دهنده کالا است یا وکیل بانک برای خرید کالا است، احتمال کمی دارد؛ اما طبق دستورات شرعی نمی‌توان

۱۳. ... فَقَالَ أَلَيْسَ إِنْ شَاءَ اشْتَرَى وَ إِنْ شَاءَ تَرَكَ وَ إِنْ شَاءَ الْبَائِعُ بَاعَهُ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَبِعْ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَا بَأْسَ...

ریسک آن را صفر کرد بلکه این ریسک بر بانک وارد می‌باشد.

موسویان در کاربرد عقد مرابحه می‌نویسد: «سفارش‌دهنده خرید (مشتري) می‌تواند از بانک درخواست کند تا کالای مشمول عقد مرابحه را از بازار یا تأمین‌کننده خاصی تهیه کند. سفارش‌دهنده خرید باید متعهد به خرید دارایی یا کالا از بانک بر اساس سفارش خرید خود باشد. تعهدنامه خرید توسط مشتري باید پیش از اجرای قرارداد مرابحه به انجام رسیده باشد. صورتی که سفارش‌دهنده خرید کالا (مشتري) که با توجه به تعهدنامه مربوطه برای خرید کالا تعهد کرده است، پس از خرید کالا توسط بانک بر اساس شرایط مورد توافق از انعقاد قرارداد مرابحه با بانک امتناع کند، مسئول نقض تعهد خود بوده و ملزم به جبران هزینه‌ها و خسارات وارده به بانک بابت تحصیل کالا و واگذاری آن به شخص ثالث است».^{۱۴} این مطلب در نمونه قرارداد مرابحه بانک مرکزی نیز وجود دارد. در ماده ۲ قرارداد آمده است: «موضوع قرارداد عبارت است از فروش اموال / ارائه خدمات به متقاضی با مشخصات زیر متقاضی از کمیت، کیفیت و اوصاف مورد معامله مطلع بوده و حسب درخواست و تعهدنامه مورخ ... که به امضای وی رسیده، متعهد به خرید / دریافت آن از بانک / مؤسسه اعتباری شده است».

در توضیح این تعهد گفته شده است که تقاضای خرید مشتري و تعهد او به خرید از بانک اگرچه در قالب تعهد یک‌طرفی است؛ لکن به جهت اینکه مورد قبول بانک قرار می‌گیرد، سبب ایجاد قراردادی الزام‌آور بین طرفین می‌گردد. این قرارداد الزام‌آور به منزله وقوع قرارداد نهایی مرابحه بین طرفین نیست بلکه طرفین تمهیدی اندیشیده تا با جمع آمدن شرایط، قرارداد اصلی را با ایجاب و قبول دیگری منعقد سازند (علیزاده، ۱۳۹۷). هرچند در فقه اهل سنت، تعهد مشتري و وعده او به خرید مرابحه پذیرفته شده^{۱۵} و در قانون بانکداری اسلامی اردن به آن تصریح شده است^{۱۶}؛ اما با توجه به روایات منابع

۱۴. ارائه شده توسط استاد موسویان در تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی: <https://mbri.ac.ir>

۱۵. با وجود اختلاف در فقه اهل سنت، بسیاری از فقهای اهل سنت این وعد را الزامی دانسته‌اند. ادله تفصیلی آن را می‌توان در کتاب «بیع المرابحه للامر بالشراء» اثر دکتر حسام‌الدین موسی عفانه پیگیری نمود.

۱۶. در قانون بانکداری اسلامی اردن مصوب ۱۹۸۵، در تعریف عقد مرابحه برای دستوردهنده خرید آمده است: «بیع المرابحه للامر بالشراء؛ قیام البنك بتنفيذ طلب المتعاقد معه علی اساس شراء الاول ما يطلبه الثاني بالنقد الذی

شیعی که مطرح شد چنین تعهدی از سوی مشتری قطعاً صحیح نیست بلکه چنین ریسکی بر بانک وارد است. شیخ انصاری در توضیح روایات مذکور معتقد است اگر وعده ملزم بین طرفین باشد، سبب می‌شود که وعده تبدیل به عقد گردد؛ زیرا الزام بارزترین خصوصیت عقد است درحالی‌که وعده، اعتبار عقد را ندارد. اگر مشتری را براساس این وعده ملزم نماییم، بیع با این وعده منعقد می‌گردد و هیچ اختیاری برای طرفین برای احداث ایجاب جدید نیست، حتی اگر ایجاب و قبول هم بین طرفین ایجاد گردد احتیاجی بدان نخواهد بود و عقد صوری می‌گردد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۴۴۹).

الف) مغایرت کارت اعتباری مرابحه نسبت به ریسک انصراف

در راستای اجرایی کردن هرچه بیشتر عقد مرابحه متناسب با نیازهای جامعه و همگام با توسعه فناوری‌های نوین بانکداری الکترونیک، کمیسیون اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دستورالعمل اجرایی کارت اعتباری بر پایه عقد مرابحه را در سال ۱۳۹۰ تصویب کرد. از آنجایی‌که منابع مورد نیاز برای کارت اعتباری مرابحه از محل سپرده‌های مدت‌دار بانک یا مؤسسه اعتباری تأمین می‌شود، مشکل کمبود منابع تخصیص‌یافته به این نوع کارت‌ها نسبت به کارت‌های اعتباری قبلی مبنی بر قرض‌الحسنه، وجود نداشت (محرابی، ۱۳۹۰).

در سامان‌دهی معامله‌های کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه، از ترکیب چند قرارداد استفاده می‌شود و صحت شرعی معامله با کارت اعتباری به صحت همه آنها منوط است. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: وکالت در خرید، خرید وکالتی، فروش مرابحه‌ای نسبی، تخفیف در بدهی در صورت پرداخت زودتر از موعد، جریمه تأخیر در صورت عدم پرداخت اقساط در زمان موعد (میثمی، ۱۳۹۵).

میثمی و ملاکریمی این فرایند را این‌طور توضیح می‌دهند: زمانی که مشتری در جایگاه وکیل بانک به فروشگاه مراجعه کرده و به خرید کالاها اقدام می‌کند، کارت تسهیلات مرابحه را در دستگاه پایانه فروش قرار می‌دهد و با انجام دادن این کار، بانک

قیمت کالاها و خدمات را به فروشگاه پذیرنده کارت می‌پردازد و کالا را تملیک می‌کند. سپس بانک کالاها و خدمات خریداری شده را به دارنده کارت به صورت بیع مرابحه نسبه برای مدت زمان معین و با نرخ سود مشخص می‌فروشد؛ به طور مثال، کالاها و خدمات خریداری شده را با احتساب نرخ سود ۲۰ درصد و با سررسید سه ساله به مشتری می‌فروشد. در ادامه، مشتری کالاها و خدمات خریداری شده را تملیک می‌کند و از فروشگاه تحویل می‌گیرد. در عمل، با دریافت کارت تسهیلات از بانک، وکالت در خرید اتفاق می‌افتد و با قرار دادن کارت در دستگاه پایانه فروش، بیع نقد کالا برای بانک و فروش اقساطی کالا توسط بانک به مشتری (به صورت همزمان) اتفاق می‌افتد که هیچ اشکال شرعی ایجاد نمی‌کند. فقط مشتری باید متوجه این مطلب باشد که ابتدا برای بانک خریداری کرده است و سپس بانک کالا را به وی می‌فروشد؛ هرچند این معاملات همزمان اتفاق می‌افتد. پس از اتمام عملیات خرید کالاها و خدمات توسط مشتری، عقد مرابحه به لحاظ شرع و حقوق منعقد شده و مشتری نسبت به اصل و سود قرارداد به بانک بدهکار است. در اینجا به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد درج می‌شود که مشتری سود تسهیلات را به صورت اقساط به بانک بپردازد و اصل تسهیلات را نیز به صورت دفع در سررسید بازگرداند (میثمی و ملاکریمی، ۱۳۹۹).

با توجه به مباحث قبل مشخص می‌شود که این هم‌زمانی در خرید نقدی توسط بانک و فروش آن به طور نسبه به مشتری صحیح نیست بلکه بایستی بعد خرید نقدی بانک این فرصت به مشتری داده شود که اگر خواست بیع مرابحه را امضاء کند یا اگر خواست آن را رها کند. در حالی که در فرایند کارت اعتباری مرابحه چنین فرصتی فراهم نشده و بلافاصله و به طور همزمان این دو بیع اتفاق می‌افتد. همچنین روایاتی در منابع دینی هست که صریحاً از انعقاد دو بیع در یک عقد واحد منع نموده‌اند. محمد بن قیس می‌گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) از بیع سه نفر در یک بیع واحد منع نمودند به این صورت که شخص اول به شخص دوم می‌گوید این کالا را از شخص سومی بخر و من به صورت نسبه‌ای بیشتر از آن مقدار را به تو می‌دهم و این دو معامله را در یک معامله قرار می‌دهد. امام علی (علیه السلام) فرمودند: شخص سوم در حالت نسبه، فقط

به همان مقدار نقد می‌تواند بپردازد، نه بیشتر از آن. سپس فرمودند: کسی که قبل از الزام دیگری، خودش کالایی را بنفسه خریده باشد، می‌تواند به هر مقدار آن را بفروشد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۴۸).

علامه مجلسی در ملاذ الاختیار در توضیح این روایت می‌گوید: «چنانچه در یک معامله، شخصی به دیگری امر کند که برای او کالایی را نقد بخرد و سپس به‌طور نسیه به او بیشتر از آن را بپردازد، این معامله ربا می‌شود؛ اما اگر دو بیع مجزا باشند به این‌صورت که فروشنده بنابر سفارش شخص اول کالایی را نقد بخرد و به‌طور مجزا در بیع دوم به او به‌صورت نسیه‌ای بفروشد اشکالی نخواهد داشت» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص. ۵۵۸).

تطبیق این دو روایت در محل بحث به این صورت است که چنانچه از طریق خرید کارت اعتباری، بانک کالای مورد نیاز مشتری را برای او نقداً خریداری کند و هم‌زمان مشتری را ملزم به پرداخت با قیمت بیشتر به‌صورت نسیه، به بانک کند، مطابق مفاد روایات مذکور گرفتن مقدار بیشتر از قیمت نقدی صحیح نبوده و باید در دو بیع جداگانه و با پذیرش ریسک انصراف مشتری همراه باشد.

نکته مهم آن است که از مجموع این روایات برداشت می‌شود این اجازه انصراف از بیع مرابحه، یک حق برای مشتری نیست که قابلیت اسقاط ولو به نحو اشتراط را داشته باشد بلکه اساساً از آنجایی که روایات، بر عدم اسقاط اجازه مشتری تأکید دارند، می‌توان برداشت کرد این اجازه انصراف یک حکم شرعی است که قابلیت چشم‌پوشی از آن توسط طرفین وجود ندارد. چراکه در اینجا بیم ربا در میان است و به اجماع فقها، ربا ولو به رضایت طرفین باطل است.

۳-۲. ریسک هلاکت مال

دومین ریسکی که در عقد مرابحه از آموزه‌های دینی قابل برداشت است، ریسک هلاکت مال است. در عقد مرابحه ممکن است مشتری سفارش خرید کالایی را به بانک بدهد و بانک بر اساس سفارش او اقدام به خرید و تملک کالا کند؛ لیکن تا مشتری اقدام به خرید مرابحه کند، کالا سرقت شود یا عیب پیدا کند و مشتری حاضر به خرید کالا نباشد، در این

فرض بانک وارد ریسک ناخواسته‌ای می‌شود (موسویان و دبیان، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۶).

اساساً ریسک هلاکت مال با توجه به ریسک انصراف موضوعیت پیدا می‌کند؛ زیرا چنانچه ریسک انصراف صفر شود همان‌طور که در کارت مرابحه این‌طور است، اساساً هلاکت مال نیز معنای محصلی نخواهد داشت؛ زیرا دو بیع نقد و نسیه هم‌زمان رخ داده و هلاکت مال بین دو زمان بیع نقد و نسیه ممکن نیست؛ اما اگر ریسک انصراف را پذیرفتیم همان‌طور که در بخش قبل آن را اثبات کردیم، ممکن است کالا قبل از تحویل بانک به مشتری دچار هلاکت شود. در این‌صورت ریسک هلاکت مال نیز بر بانک تحمیل می‌شود و بانک نمی‌تواند آن را به دوش مشتری بیندازد.

در روایات متعددی به ریسک هلاکت مال اشاره شده است که در مدت زمان بین خرید و فروش، فروشنده (مالک کالا) باید ضامن هلاکت و تبعات مال باشد؛ به‌عنوان نمونه منصور بن حازم در روایت صحیح می‌گوید: «از امام صادق (علیه‌السلام) پرسیدم: مشتری می‌آید و لباس معینی را جویند می‌شود. آن مرد می‌گوید: من این قماش را ندارم، این وجه نقد را بگیر و آن را خریداری کن. مشتری می‌رود و با پول تاجر، قماش دلخواه خود را می‌خرد و پیش تاجر می‌آورد و با او معامله می‌کند. این معامله چه صورت دارد؟ امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: آیا چنین نیست که اگر قماش مزبور، تلف شود، خسارت آن بر عهده صاحب دراهم است؟ من گفتم: چرا. امام (علیه‌السلام) فرمود: اگر مشتری صلاح ببیند، کالا را از این تاجر می‌خرد و اگر نه خریداری نمی‌کند؟ من گفتم: بله همین‌طور است. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: مانعی ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۲۰۴).

این روایت از جهت مضمون روشن است که ریسک و خطر کالای خریداری شده را بر عهده تاجر و صاحب سرمایه قرار می‌دهد. شرط صحت بیع مرابحه آن است که خسارت مال تلف شده قبل از بیع مرابحه، از جیب مالک و فروشنده باشد.

برای تطبیق آموزه‌های شرعی در محل بحث، می‌بایست در دو بخش توضیحاتی را ارائه داد. بخش اول مربوط به مرابحه و کالتی است که بانک، مشتری را وکیل در خرید کالا می‌کند تا کالا را در اختیار بانک قرار دهد. چنانچه در حین وکالت مشتری، سرمایه بانک در دست او بدون تقصیری (افراط و تفریط) تلف شود، از نظر شرعی نمی‌توان

مشتری را ضامن سرمایه قرار داد؛ زیرا ید وکیل، ید امانی است و طبق نظر مشهور فقها در عقود امانی مثل وکالت، شرط ضمان امین به نحو شرط نتیجه^{۱۷} باطل است. توضیح بیشتر آنکه در عقود امانی مانند اجاره، ودیعه، مضاربه، وکالت و... در صورت نقصان یا تلف شدن مال تحت تصرف شخص، او ضامن نیست مگر به تعدی و تفریط؛ زیرا شرط ضمان وکیل مخالف مقتضای امین دانستن وکیل است. همچنین اذن مالک به تصرف، اذن ضمنی به تلف قهری هم هست؛ زیرا اذن به تصرف نمی‌تواند مقید به بقای سرمایه بدون تلف قهری باشد، چون علم به این تلف حین عقد وجود ندارد، برخلاف عاریه که اذن تنها در تصرف است که منافات با تلف قهری ندارد، مستعیر حقی در مال ندارد جز انتفاع، مالک می‌تواند آن را مقید به عدم تلف کند، ولی در وکالت خرید، تقبیل اذن مساوق با عدم اذن فعلی است که منافای با مقتضای عقد است (حسینی، ۱۳۹۹).

همچنین تضمین به نحو شرط فعل نیز طبق قاعده ربح که قبلاً توضیحش گذشت، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا در تضمین به نحو شرط فعل، بانک بدون اینکه متحمل ریسک تلف باشد، منافع حاصل از خرید کالا را به دست می‌آورد. درحالی که طبق قاعده ربح، خسارات به شخصی وارد می‌شود که منافع آن نیز به او برگشت دارد که شیخ انصاری از آن تعبیر به «تلازم نماء و درک» می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۲۰۱). شهید صدر در البنک اللاربوی (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۸۸) می‌فرماید: «روایت معتبره محمد بن قیس مربوط به مضاربه که یکی از عقود امانی است. تعبیر «مَنْ ضَمَّنَ تَاجِرًا فَلَيْسَ لَهُ إِلَّا رَأْسُ الْمَالِ وَلَيْسَ لَهُ مِنَ الرَّبْحِ شَيْءٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۲۲۸) نسبت به شرط فعل و شرط نتیجه مطلق است و عرف شرط تدارک خسارت (شرط فعل) را نیز نوعی تضمین عامل می‌داند و «مَنْ ضَمَّنَ تَاجِرًا» را صادق بر شرط تدارک خسارت نیز محسوب می‌کند، نه اینکه این روایت فقط منحصر در شرط نتیجه باشد». تأکید مجدد آنکه عدم جواز شرعی تضمین ریسک هلاکت فقط در حالت قصور وکیل می‌باشد؛ اما چنانچه در هلاکت مال مقصر باشد و افراط یا تفریطی کرده باشد، می‌توان او را ضامن شرعی قرار داد.

۱۷. شرط نتیجه به این صورت است که در صورت تلف شدن کالا، ضمانت کالا بر عهده عامل می‌باشد؛ اما شرط فعل آن است که در صورت تلف شدن کالا، عامل ملزم است خسارت وارده را از جیب خود تدارک نماید.

بخش دوم مربوط به بعد از خرید کالا است که حکم آن روشن تر است. در این حالت کالا در ملکیت بانک قرار گرفته است و سه صورت برای تلف آن کالا متصور است. حالت اول تلف شدن کالا قبل از بیع مرابحه است، در این حالت مطابق روایاتی که ذکر گردید کالا از جیب مالک (بانک) خارج می شود. همچنین ملکیت و منافع کالا در اختیار بانک است و خسارت نیز به او وارد می شود. حالت دوم تلف شدن کالا بعد از انشاء بیع مرابحه و قبل از قبض مشتری است، در این حالت نیز با توجه به قاعده «تلف المبیع قبل قبضه من مال بایعه» خسارت بر فروشنده (بانک) وارد می باشد. حالت سوم تلف شدن کالا بعد از بیع مرابحه و قبض مشتری است، در این حالت تلف کالا از مال مشتری خواهد بود؛ زیرا مشتری مالک است و خسارات نیز متوجه اوست.

نکته مهم آن است که از طریق اشتراط، نمی توان این خسارت را به دیگری منتقل کرد؛ زیرا شرط مشرّع نیست بلکه مشروط باید با قطع نظر از شرط، مشروع باشد تا شرط نافذ باشد؛ یعنی جایی شرط نافذ است که مشروعیت شرط با قطع نظر از ادله نفوذ شرط مفروض باشد یا از این باب که متعلق شرط با قطع نظر از تعلق شرط به آن، امر جایزی باشد. بر این اساس شرط نمی تواند تلازم نماء و درک را مقید نماید.

الف) مغایرت مفاد قانونی عقد مرابحه نسبت به ریسک هلاکت

در قراردادهای مرابحه در نظام بانکی ریسک هلاکت مال بر متقاضی تسهیلات بار شده است. بند ۳ ماده ۵ و بند ۲ ماده ۱۵ قرار داد مرابحه بانک انصار مقرر می دارد در صورتی که قبل از خرید مورد معامله مبلغ تسهیلات تلف شود و از بین برود مشتری مکلف است از مال خود مجانی به بانک تملیک نماید. مفاد این بند تضمین وکیل به نحو شرط فعل است، درحالی که در قرارداد مرابحه مشتری وکیل بانک می باشد و وکیل امین است.

همچنین در ماده ۸ نمونه قرارداد مرابحه بانک مرکزی آمده است: «پرداخت تمامی هزینه های مربوط و انجام کلیه تشریفات انتقال اموال یا خدمات موضوع این قرارداد بر عهده متقاضی بوده و متقاضی حق مطالبه وجهی بابت هزینه های مربوط از جمله حق الوکاله را از خود سلب و ساقط نمود». قید تمامی هزینه ها شامل هزینه تلف شدن

کالا نیز می‌باشد که بر عهده متقاضی گذاشته شده است. در این نمونه قرارداد مرابحه نسبت به ریسک تلف کالا در حالت وکالت متقاضی و همچنین حالتی که کالا در اختیار بانک برای انعقاد مرابحه قرار می‌گیرد، تفکیکی صورت پذیرفته است و به‌طور کلی تمامی هزینه‌ها به متقاضی واگذار شده است که مغایر با قاعده ربح است. قضاوت عرف حاکی از آن است که بانک در این موارد، کاری جز ارائه پول با بهره ثابت و بدون ریسک نکرده است و این عملیات ماهیتاً با طلب بهره تفاوتی ندارد؛ زیرا به‌رحال مشتری ربا نیز تسهیلات را نهایتاً برای خرید کالا و خدمات استفاده خواهد کرد و عملاً هرگونه ربا قابل تبدیل به مرابحه به این معنا است.

۴. مدیریت ریسک انصراف و هلاکت مال

ماهیت و نوع ریسک در بانکداری اسلامی که نتیجه به‌کارگیری عقود اسلامی است، با ریسک‌های بانکداری مرسوم متفاوت است. بانک‌های اسلامی از ریسک مضاعفی نسبت به بانکداری مرسوم برخوردارند؛ زیرا در تفکر اقتصاد اسلامی رابطه برنده - بازنده قابل‌پذیرش نیست. رفتارهای اقتصادی طرفین به‌گونه‌ای است که ضمن سهیم بودن در منافع آن، مسئولیت زیان‌های احتمالی را مشترکاً بپذیرند. مطابق این دیدگاه، در کلیه قراردادهای اسلامی در نظام بانکداری اسلامی امکان واگذار نمودن ریسک هیچ‌یک از فعالیت‌های خود به طرف مقابل وجود ندارد و درمجموع سبد آن از ریسک بالاتری برخوردار است. بر این اساس مدیریت ریسک مؤثر و کارآمد در بانکداری اسلامی به یک راهبرد دوگانه مبتنی بر یک چهارچوب مقرراتی مناسب و همچنین گسترش مطلوب نهادها، نیاز دارد (علم‌الهدی، ۱۳۹۷).

هرچند عقد مرابحه از کم‌ریسک‌ترین عقود بانکی می‌باشد؛ اما لحاظ ریسک‌های شرعی عقد مرابحه و قانون‌مندی و نهادسازی متناسب آن در یک مدل مطلوب، می‌تواند یک گام اولیه موفق برای الگوی بانکداری مبتنی بر تسهیم ریسک باشد که طبعاً در سایر عقود به خصوص عقود مشارکتی ثمرات به مراتب بیشتری خواهد داشت. درواقع فرهنگ پذیرش ریسک از سوی طرفین معامله و تسهیم و توزین ریسک، راه علاج خروج از عقود صوری بانکی است که می‌توان آن را در عقود کم‌ریسک آغاز نمود.

ریسک انصراف مشتری از انعقاد مرابحه یکی از ریسک‌هایی است که منابع دینی به آن تصریح کرده‌اند. راهکاری که برای مدیریت این ریسک ارائه شده آن است که در مواردی که موضوع قرارداد مرابحه کالای با قیمت زیاد است، مانند خرید و فروش زمین، ساختمان، تأسیسات، خط تولید، کشتی، هواپیما، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، از فروشنده اصلی و مشتری بانک دعوت می‌شود در موعد مشخصی در بانک حاضر شوند و قرارداد خرید بانک و فروش مرابحه در یک مجلس و بدون فاصله منعقد می‌شود. یعنی بانک از یک سوی کالای مورد نظر را خریداری کرده و از سوی دیگر آن را می‌فروشد. در مواردی که موضوع قرارداد مرابحه کالای با قیمت کم است، مانند لوازم خانگی، مصالح ساختمانی یا خدمات مصرفی، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، بانک به مشتری وکالت می‌دهد تا وی کالا را برای بانک خریداری کند و در ضمن قرارداد حق فسخ برای بانک قرار دهد، سپس سراغ بانک بیاید تا بانک کالا را به مشتری بفروشد. بانک با فروش کالا به مشتری، از طریق همان مشتری قیمت خرید را طی چک به فروشنده اولیه می‌رساند و مشتری با پرداخت چک کالایی را که حالا مال خودش شده از فروشنده تحویل می‌گیرد (موسویان، ۱۳۹۰، ب).

راهکار اول ارائه شده مفید نیست؛ زیرا این شیوه اجرا برای بانک دشوار است و اگر مشتری قصد انصراف از خرید کالا را داشته باشد در همان زمان کم هم می‌تواند این کار را بکند و بانک را با چالش مواجه سازد (معراج، ۱۳۹۹). وکالتی کردن خرید مشتری در راهکار دوم نیز ارتباطی به انصراف مشتری از خرید مرابحه ندارد؛ زیرا مشتری بعد از خرید وکالتی برای بانک می‌تواند از انعقاد مرابحه با بانک خودداری کند و این انصراف ارتباطی با وکیل بودن او در خرید ندارد.

به نظر می‌رسد باید ریسک انصراف مشتری را به رسمیت شناخت و برای مدیریت آن برنامه‌ریزی کرد. آنچه در مورد مدیریت ریسک انصراف می‌توان پیشنهاد داد تشکیل صف انتظار برای کالای مرابحه‌ای است. توضیح آنکه عقد مرابحه، بیشتر در کالای مصرفی با دوام کاربرد دارد که از جمله به اقلام جهیزیه، خودرو، مسکن و تجهیزات

کارخانجات و... تعلق می‌گیرد. در همه این اقلام می‌توان از متقاضیان تسهیلات مرابحه نسبت به هر کالای مرابحه‌ای یک صف انتظار تشکیل داد تا چنانچه یکی از متقاضیان نسبت به خرید مرابحه انصراف داد، طبق فهرست بتوان متقاضی بعدی را جایگزین او نمود. خصوصاً در بانکداری الکترونیک می‌توان کالاهای مرابحه‌ای را نمایش داد تا متقاضیان بر اساس نیازی که دارند، نوع کالای خود را انتخاب کنند و از این طریق صف انتظار آن کالا شکل بگیرد. هرچند در بیشتر موارد، «تحلیل بازار» مناسب از سمت بانک می‌تواند جایگزین تشکیل صف انتظار بالفعل گردد.

در مورد کارت‌های اعتباری نیز بعد از خرید وکالتی مشتری برای بانک، به‌سادگی می‌توان در پلتفرم‌های الکترونیکی هر بانک، گزینه تأیید برای بیع مرابحه فعال شود که متقاضی پس از تأیید این گزینه در حقیقت به بیع مرابحه با سود مشخص رضایت داده و بیع مرابحه به‌صورت نسبی منعقد می‌گردد. از آنجایی که شرعاً می‌بایست بعد از خرید وکالتی مشتری برای بانک و بیع مرابحه فاصله زمانی باشد، فعال کردن گزینه تأیید بیع مرابحه توسط متقاضی می‌تواند آن را تصحیح نماید.

در مورد ریسک هلاکت مال نیز می‌بایست از طریق نهادسازی مناسب، آن را مدیریت نمود. ریسک در هلاکت مال باید تفکیک شود: ۱- ریسک ناشی از قصور، ۲- ریسک ناشی از تقصیر؛ زیرا چنانچه هلاکت ناشی از قصور باشد قابلیت ضمانت ندارد اما چنانچه ناشی از تقصیر باشد ضمانت‌پذیر است. این تفکیک در شرایطی است که متقاضی از طرف بانک وکیل به خرید شده است؛ اما بعد از خرید کالا و تملک بانک، هلاکت مال به‌کلی برعهده بانک است تا آنکه کالا را به متقاضی تحویل دهد. اصل این تفکیک میان ریسک قصور و تقصیر، تلاشی است برای «کاهش ریسک» در عملیات تسهیم ریسک. از این‌رو نیاز به نهادی برای تشخیص خسارت ناشی از «قصور» نسبت به خسارت ناشی از «تقصیر» خواهد بود.

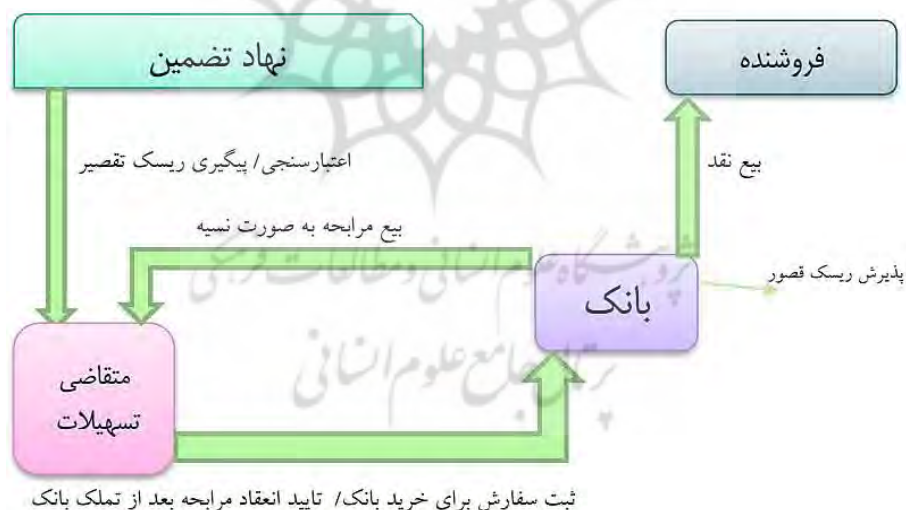
همچنین می‌توان نهاد «تضمین حسن اجرای تعهدات» را نیز ایجاد نمود تا ریسک نکول متقاضی از پرداخت اقساط و ریسک‌های ناشی از تقصیر متقاضی را تضمین کند. نکته قابل توجه آن است که تضمین دو ریسک نکول و ریسک ناشی از تقصیر، مانع از استحقاق سود سرمایه‌گذار نسبت به سرمایه نخواهد بود و ذیل قاعده ربح قرار

نمی‌گیرد. نهاد تضمین به صورت تخصصی، مسئول «نقد کردن دیون» است. این نهاد تخصصی می‌تواند از شخص بدهکار، در جهت عملیاتی کردن وصول مطالبات، هرگونه وثیقه یا سفته و اوراق مالی دریافت کند؛ البته برای جلوگیری از ریسک نکول راهکارهای متعددی به طور مفصل ارائه شده است؛ اما در هر صورت اعتبارسنجی متقاضی و گرفتن وثایق مناسب، از ویژگی‌های اصلی نهاد تضمین می‌باشد.

در خرید و کالتی برای بانک، متقاضی امین بانک محسوب می‌شود. اثر امانی بودن عقد دو امر است: یکی استیمان و دیگری پذیرش قول امین مبنی بر عدم تقصیر؛ یعنی بار اثبات تقصیر بر دوش مالک (بانک) است و او فقط باید اثبات کند که رفتار امین در تلف مال اثر داشته است و برای احراز تقصیر هم رفتار متعارف اهل فن و متخصص در هر حرفه‌ای ملاک است (حسینی، ۱۳۹۹). به نظر می‌رسد اگر در طراحی مدل مطلوب، نهاد تضمین را به صورت تخصصی در کنار بانک قرار دهیم، می‌توان وظیفه تشخیص تقصیر از قصور را نیز به بانک سپرد؛ زیرا بانک از یک سو اگر همه خسارات را ناشی از تقصیر متقاضی جلوه دهد و همه آن‌ها را به نهاد تضمین ارجاع دهد، اعتبارش نزد نهاد تضمین کاسته می‌شود و نهاد تضمین حاضر نمی‌شود با چنین بانکی همکاری نماید. از سوی دیگر چنانچه همه خسارات را ناشی از قصور بداند، اگر منابع مرابحه از محل سپرده‌های مدت‌دار بانک باشد که غالباً اینطور است، در این صورت خسارات به سپرده‌گذاران بانک وارد می‌شود و اعتبار بانک برای جذب سپرده خدشه‌دار می‌گردد؛ بنابراین بانک بین دو کسر اعتبار قرار می‌گیرد و تعارض منافی برای بانک به وجود نمی‌آید. اگر چنانچه منابع مرابحه از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد، خسارات ناشی از قصور به خود بانک وارد شده و از سرمایه بانک کاسته می‌گردد. پس در این حالت هم بانک بین دو کسر اعتبار و سرمایه قرار می‌گیرد. همچنین نهاد تضمین به دلیل این که تشخیص ریسک قصور از تقصیر به دست او نیست، می‌تواند «اعتبارسنجی» را به عهده بگیرد؛ زیرا انگیزه دارد قبل از صدور تضمین برای هر متقاضی، اعتبار او را بسنجد. نهاد تضمین به ازای هر پروژه‌ای که می‌گیرد، حق‌العمل و کارمزد خود را متناسب با مبلغ ضمانت شده از کسی که مالک کالا است و می‌خواهد در بیع مرابحه آن را بفروشد (سپرده‌گذاران یا بانک) دریافت می‌کند.

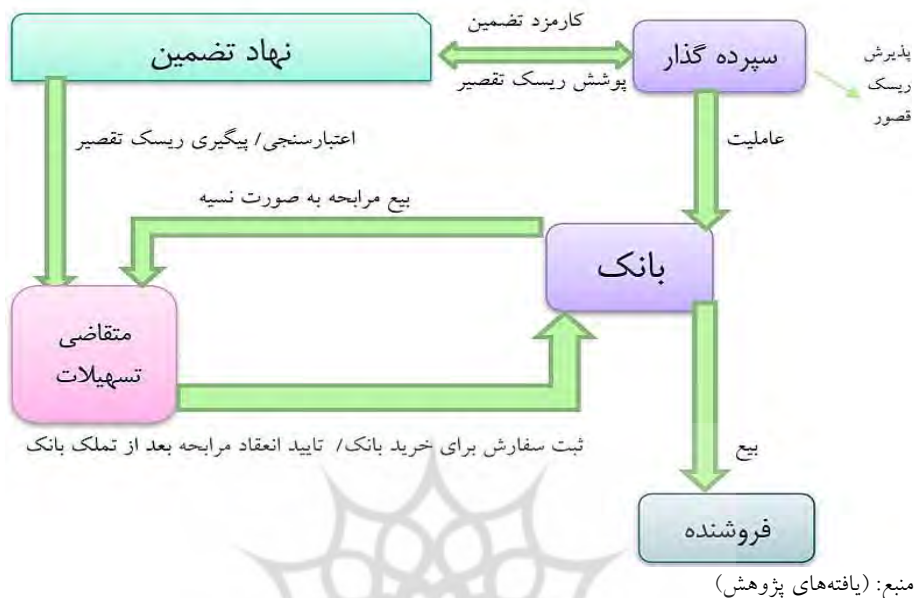
بعد از اینکه بانک، اثبات کرد مشتری در تلف سرمایه مقصر است، او را به نهاد تضمین معرفی می‌کند تا نهاد تضمین بر اساس وثایقی که از او گرفته است، مال تلف شده را تدارک کند؛ اما چنانچه کارشناسان تخصصی نهاد تشخیص ریسک تقصیر از قصور، نتوانستند تقصیر متقاضی را اثبات کنند و خسارت وارد شده قصوراً محقق شده باشد، در این صورت چنانچه منابع مباحه از محل سپرده‌های مدت‌دار باشد، خسارت وارده از جیب سپرده‌گذاران محسوب می‌شود و اگر منابع مباحه از سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد، خسارات وارده از جیب بانک می‌رود.

بنابراین تفکیک میان خسارات ناشی از تقصیر و قصور، راهکاری عملیاتی برای تسهیم ریسک بین طرفین خواهد بود که منجر به کاهش ریسک می‌شود؛ البته برای کاهش (و نه حذف) ریسک خسارات ناشی از قصور که بر سپرده‌گذاران بانکی وارد می‌شود، راهکارهایی ارائه شده است که نیاز به بحث جداگانه دارد. روند کلی تسهیلات مباحه و مدیریت ریسک‌های شرعی عقد مباحه را می‌توان در دو نمودار زیر پیگیری نمود.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۱): روند بیع مباحه در صورتی که منابع مباحه از سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد



نمودار (۲): روند ییج مربایحه در صورتی که منابع مربایحه از سپرده‌های مدت‌دار باشد

تلقی مختار از ادله شرعی آن است که شارع، مباحه را به‌عنوان گامی نخست در جهت «نهادسازی و فرهنگ‌سازی» به‌سوی ریسک‌های بالاتر در عقود پُریسک در نظر گرفته است. بانک در نقشه کلان خود با دارا شدن نهادهایی همچون «تفکیک ریسک قصور از تقصیر» و «صندوق تضمین حُسن اجرای تعهدات» می‌تواند به‌سوی اجرای راحت‌تر عقود مشارکتی پُریسک حرکت کند. از این‌رو اصرار بر حفظ ریسک عقد مباحه کاملاً قابل فهم می‌باشد؛ زیرا تلاش برای حذف همین مقدار ریسک کم در عقد مباحه، به بهانه تأثیر کم آن در عملیات بانکی، نهاد بانک را به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد وساطت تأمین مالی، برای پذیرش هر نوع ریسکی عقیم خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

از روایات فقهی این‌طور برداشت شد که پذیرش ریسک انصراف و ریسک هلاکت از شرایط صحت عقد مرابحه است که خصوصاً با رواج استفاده از کارت اعتباری مرابحه کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است. ریسک انصراف ریسک انصراف مشتری از انعقاد مرابحه است ولو که خودش سفارش خرید آن کالا را به بانک داده باشد و حتی برای خرید آن از سوی بانک وکیل شده باشد. ریسک هلاکت مال نیز در صورتی مطرح می‌شود که کالا قبل از تحویل متقاضی مرابحه، تلف شود. آموزه‌های فقهی نشان می‌دهد امکان صفر کردن این ریسک برای بانک وجود ندارد و می‌بایست آن را به رسمیت شناخت و برای مدیریت آن برنامه‌ریزی نمود.

مدیریت ریسک انصراف از طریق تشکیل صف انتظار یا تحلیل بازار توسط بانک تا حدودی امکان‌پذیر است. به این صورت که در بانکداری الکترونیک می‌توان انواع کالاهای مرابحه‌ای را نمایش داد تا متقاضیان بر اساس نیازی که دارند، نوع کالای خود را انتخاب کنند و از این طریق صف انتظار آن کالا شکل بگیرد. خصوصاً در کارت اعتباری مرابحه به‌سادگی می‌توان بعد از خرید وکالتی متقاضی، گزینه تمایل او به انعقاد مرابحه در سکوهای بانکی فعال شود تا متقاضی با تأیید آن، بیع مرابحه را به‌طور نسبی بپذیرد.

در مورد ریسک هلاکت نیز از طریق نهادسازی متناسب با فرایند عقود بانکی می‌توان زمینه را برای توسعه آن در سایر عقود پرریسک فراهم نمود. نهاد تشخیص ریسک تقصیر از قصور و همچنین نهاد تضمین در کنار هم می‌توانند مدل مطلوب را فراهم کنند. نهاد تشخیص تقصیر از قصور می‌تواند در بانک باشد و این وظیفه را بر عهده بگیرد. نهاد تضمین نهادی است که وظیفه اعتبارسنجی و نقد کردن خسارات ناشی از تقصیر را بر عهده دارد که بیرون از بانک فعالیت دارد و با معرفی افراد مقصر از سوی بانک به این نهاد عمل می‌کند. چنانچه تقصیری اثبات نشود، خسارات ناشی از قصور متوجه سپرده‌گذاران می‌شود چنانچه منابع مرابحه از سپرده‌های مدت‌دار باشد؛ اما اگر منابع مرابحه از سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد خسارات ناشی از قصور متوجه خود بانک می‌گردد.

کتابنامه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اکبریان، رضا و دیانتی، محمدحسین (۱۳۸۵). مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا. *اقتصاد اسلامی*، (۲۴)، ۱۷۰-۱۵۳.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- بکناش، محمدکاظم (۱۳۹۱). مشروعیت درآمدزایی ریسک و مخاطره در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه. *معرفت اقتصاد اسلامی*، (۷)، ۱۱۵-۱۴۱.
- تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی: <https://mbri.ac.ir>
- توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و نصیری، حمید (۱۴۰۰). بررسی قابلیت پرداخت سود ثابت به سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی از کانال بیمه سپرده‌ها. *اقتصاد اسلامی*، (۸۱)، ۹۹-۱۲۶.
- حسینی، سیدام‌الله (۱۳۹۹). چالش تضمین سرمایه در بانکداری اسلامی، ملاحظات فقهی ریشه‌یابی و راه‌حل. *پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی*، (۱۶)، ۳۰۹-۳۳۴.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۱ق). *البنک اللاربویه فی الاسلام*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. تحقیق خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عفانه، حسام‌الدین موسی (۱۹۹۶م). *بیع المربحه لآمر بالشراء*. قدس: شرکه بیت‌المال الفلسطینی العربی.
- علم‌الهدی، سیدسجاد (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی و ریسک، یک تحلیل تطبیقی. *اقتصاد مالی*، (۴۴)، ۸۶-۶۹.
- علیزاده، امیرحسین (۱۳۹۷). مرابحه بانکی و مشروعیت آن. *مجله حقوق دادگستری*، (۱۰۴)، ۱۵۲-۱۲۳.
- کاظمی‌نژاد، فاطمه (۱۳۸۸). تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف. *بانک و اقتصاد*، (۱۰۱)، ۴۴-۳۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق). *ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- محرابی، لایلا (۱۳۹۰). دستورالعمل اجرایی کارت اعتباری بر پایه عقد مرابحه. *تازه‌های اقتصاد*، (۱۳۳)، ۵۰-۴۷.

تحلیل فقهی ریسک‌های شرعی در عقد... / عباس یعقوب‌زاده مجرد و مصطفی کاظمی نجف‌آبادی مطالعات اقتصاد اسلامی ۵۲۱

- معراج، آذرگشسب (۱۳۹۹). بررسی کاربرد عقد مرابحه در نظام بانکی با تأکید بر فقه و حقوق موضوعه. فصلنامه مطالعات حقوق، (۵)، ۱۲۷-۱۴۳.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰ الف). ابزارهای مالی اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰ ب). امکان‌سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا. فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، (۵۹)، ۳۳-۵۷.
- موسویان، سیدعباس و دبیان، محد الدبیان (۱۳۹۲). کارت‌های اعتباری و انطباق‌پذیری فقهی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- میثمی، حسین (۱۳۹۵). تحلیل فقهی - حقوقی الگوی کارت اعتباری مرابحه با تأکید بر روابط ذی‌نفعان. نشریه تازه‌های اقتصاد، (۱۵۰)، ۳۱-۳۵.
- میثمی، حسین و ملاکریمی، فرشته (۱۳۹۹). ارائه روش جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی با رویکرد قسط‌بندی متفاوت اصل و سود تسهیلات. گزارش سیاستی پژوهشکده پولی و بانکی، ۱-۱۶.
- میرطاهر، سیدمحمدجواد و صفایی، محمد (۱۳۹۳). طراحی مدل عملیاتی خرید اعتباری سهام بر اساس قرارداد مرابحه و مشارکت مدنی. مجله تحقیقات مالی اسلامی، (۶)، ۱۳۱-۱۶۰.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۸ ق). قاعده بطلان ربح ما لم یضمن. نشریه منهاج، (۶)، ۷-۴۴.
- یوسفی، احمد؛ قنبرزاده، کمیل و کلاهدوزان، علیرضا (۱۴۰۱). بررسی فقهی کسب سود بدون قبول ریسک. اقتصاد اسلامی، (۸۷)، ۵-۲۲.

Khan, Tariqullah & Ahmed, Habib (2001). *Risk Management An Analysis Of Issues In Islamic Financial Industry*. Jeddah: Islamic Develoment Bank Islamic Research And Training Institute.

References

- Aamily, Harr, Muhammad bin Hasan (1409). AH , Shi'iee vasayel; Volume 18, page: 42, 30 volumes, Al-Bayt Institute, Qom - Iran, 1st. (In Persian)
- Afaneh, Hossam al-Din Musa (1996). Biy al-Murabaha Lal-Amr Be-Shara, Quds: Bait Al-Mal Al-Falestini Al-Arabi. (In Persian)
- Akbarian, Reza; Dianti, Mohammad Hossein (1385). Risk management in interest-free banking, *Islamic Economy*, (24), 153-170. (In Persian)
- Alam Al-Hadi, Seyed Sajad (1397). Islamic banking and risk, a comparative analysis, *Financial Economy*, (44), 69-86. (In Persian)
- Alizadeh, Amirhossein (1397). Bank Murabaha and its legitimacy, *Law Journal*, (104), 123-152. (In Persian)

- Ansari (Sheikh Ansari), Morteza (1415 AH). Kitab al-Makasab, Qom: World Congress of Honoring Sheikh Ansari. (In Persian)
- Bektash, Mohammad Kazem (1391). Legitimacy of risk and risk income generation in financial markets from the perspective of Imami jurisprudence, Marfat Islamic Economy, (7), 115-141. (In Persian)
- Hosseini, Seyyed Amrullah (1399). The challenge of guaranteeing capital in Islamic banking, jurisprudential considerations, rooting and solution, interdisciplinary jurisprudential research journal, (16), 309-334. (In Persian)
- Kazeminejad, Fatemeh (1388). The difference in risk distribution in two systems of Islamic banking and conventional banking, Bank and Economy Magazine, (101), 44-34. (In Persian)
- Khan, Tariqullah & Ahmed, Habib (2001). Risk Management An Analysis Of Issues In Islamic Financial Industry, Jeddah: Islamic Development Bank Islamic Research And Training Institute.
- Khan, Tariqullah & Ahmed, Habib (2001). Risk Management An Analysis Of Issues In Islamic Financial Industry, Jeddah: Islamic Development Bank Islamic Research And Training Institute. (In Persian)
- Koleini, Muhammad ibn Yaqub (1407 AH). Kitab al-Kafi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian)
- Maithami, Hossein & Mollakarimi, Fereshte (1399). Presenting a new method of using Murabahah contracts in the banking network with a different installment approach of the principal and interest of the facilities, Policy Report of the Banking Research Institute, 16-16. (In Persian)
- Maithami, Hossein (1395). jurisprudential-legal analysis of the Murabahah credit card model with an emphasis on the relations between the beneficiaries, Tashai Ekhtaz magazine, (150), 31-35. (In Persian)
- Majlisi (Allameh Majlisi), Muhammad Baqir (1406 AH). Malaz al-Akhyar fi Fahm Tahzib al-Akhbar, Qom: Ayatollah Marashi Library. (In Persian)
- Mehrabi, Leila (1390). The executive order of a credit card based on the contract of Murabahah, Tashayi Ekhtaz magazine, (133), 47-50. (In Persian)
- Meraj, Azargashsab (1399). Study of the use of Murabahah contract in the banking system with emphasis on jurisprudence and the subject law, Law Studies Quarterly, (5), 127-143. (In Persian)
- Mirtaheer, Seyyed Mohammad Javad & Safaei, Mohammad (1393). Designing an operational model for the purchase of shares on credit based on the Murabahah contract and civil partnership, Islamic Financial Research Journal, (6), 131-160. (In Persian)
- Mousaviyan, Seyyed Abbas & Debian, Mohd El-Debian (1392). Credit cards and jurisprudential adaptability, Tehran: Research Institute of Money and Banking. (In Persian)
- Mousaviyan, Seyyed Abbas (1390). Feasibility of using Murabahah in interest-free banking, Economic Research Trends Quarterly, (59), 57-33. (In Persian)
- Mousaviyan, Seyyed Abbas (1390). Islamic financial instruments. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Sadouq, Muhammad bin Ali (1413 AH). Man La yahzor Al-Faqih, Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- Sadr, Seyyed Muhammad Baqir (1401 AH). Al-Bank Al-la rabaviyeh Fi'il-

تحلیل فقهی ریسک‌های شرعی در عقد... / عباس یعقوب‌زاده مجرد و مصطفی کاظمی نجف‌آبادی مطالعات اقتصاد اسلامی ۵۲۳

- Islam, 7th edition, Beirut: Dar al-Ta'arif Publications. (In Persian)
- Shahrudi (Hashmi Shahrudi), Seyyed Mahmoud (1418 AH). The nullity rule of Rabh Ma Lam Yazem, Minhaj publication, (6), 44-7. (In Persian)
- The site of the Research Institute of Money and Banking. <https://mbri.ac.ir> (In Persian)
- Tusi (Sheikh Tusi), Muhammad ibn al-Hassan (1407 AH). Tahdhib al-Ahkam (Tahqiq Khorsan), 4th edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian)
- Yousefi, Ahmed; Ghanbarzadeh, Kamil & Kolahdozan, Alireza (1401). jurisprudential review of earning profit without accepting risk, Islamic Economy, (87), 22-5. (In Persian)





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی